

بهار که اکنون ما را یاد خانه‌تکانی و نظافت می‌اندازد در گذشته شروع مصیبت‌های شهر بوده است

بهداشت؛ غریبه‌ای در مشهد قدیم

سیده‌نعمه زینبی! این روزها که گردبهار به همه‌شهر پاشیده‌است وجوانه‌های نورسته درختان از زمستان به بهار قدم می‌گذارند، همه اهل خانه درگیر کارهای پیش از عید هستند. خانه‌تکانی که یک رسم به جای مانده‌از نیاکان است، هنوز هم نویدرسیدن عید نوروز است. رسمی که نشان می‌دهد، ایرانی‌ها از گذشته به بهداشت خانه و کاشانه‌شان اهمیت می‌دادند.البته‌رعایت بهداشت در روزگار گذشته‌به‌همین‌راحتی نبود و با شروع گرما به مصیبت هم تبدیل می‌شد. حتی اگر محیط کوچک خانه‌امن و سالم بود، اما ورود به شهر، مشهدی‌ها را بایک چالش اساسی روبه‌رو می‌کرد. کوچه پس کوچه‌های شهر، دالان‌ها وخیابان‌ها، حمام‌ها و خزینه‌ها، قبرستان‌ها، آب‌انبارها و پی‌آب‌ها و بیمار‌ها، همه دست به دست هم می‌دادند تا زندگی سالم را در این ارض اقدس سخت کنند. در آغاز هفته بهداشت، خوب است بنویسیم، تا ابتدای قرن چهارده خبری از بهداشت



آبی که باعث بیماری بود! هرجا آب باشد، آبادی هم خواهد بود. شهر مشهد از همان زمانی که شکل گرفته اگرچه با چالش تأمین آب روبه‌رو بوده، اما وجود چشمه لایزال مهربانی امام خوبی‌ها باعث می‌شود این شهر روند رو به رشدش را در همه دوره‌ها حفظ کند. با این همه مسئله آب آن قدر مهم بوده که عیار حاکمان شهر مشهد را معلوم می‌کرده‌است و آلودگی آن یعنی دست‌وپنجه نرم کردن یک شهر با بیماری. «ادموند اداوان» خبرنگار انگلیسی در سفرنامه اش درباره وضعیت آب مشهد می‌نویسد: «آب مشهد دارای املاح گوناگون است و وقتی من وارد مشهد شدم روز اول تصمیم گرفتم یک خوراک سولفات دومینری بخورم وهمین کهنمک‌راتوانی آب‌ریختم‌محلول غلیظ بدنمای تشکیل شد که من از خوردن آن منصرف شدم. آب مشهد، به طور کلی خیلی سنگین ویدمزه‌است و تانندازه‌ای طعم چربی می‌دهد. «منابع آب مشهد، آب انبارها، چاه‌ها و نهر خیابان بود. آب چاه معمولاً برای شست‌وشو استفاده می‌شد و آب آشامیدنی از پی‌آب‌ها، آب انبارها و چشمه‌های اطراف شهر برداشت می‌شد. «احمدام‌هاوان» در کتاب تاریخ مشهدالرضا(۲) درباره تأمین آب مشهد می‌نویسد: «آب مصرفی مردم شهر مشهد و همچنین مسجد گوهرشاد و آستان قدس در گذشته از چاه‌هایی در منازل، حمام‌ها، سراها و... که حدوداً به عمق ۱۰ متری رسید، تأمین می‌شد که با چرخ‌دستی از چاه می‌کشیدند. آب چاه‌های خانگی شهر مشهد لای و شور بود و برای همین مردم برای تأمین آب شرب از حوض انبارهایی که به تعداد زیاد در محلات شهر ساخته بودند، استفاده می‌کردند، از جمله در فلکه حضرت و همچنین بست‌های علیا و سفلا و نیز در داخل صحنین، آب انبارهای عمیق و پرپله‌ای وجود داشت که از آب نهر خیابان یا قنوات یا برف و باران پر می‌شد.»

اما آب انبارها که بیشتر از آب نهر خیابان پر می‌شدند، حکایت عجیبی داشتند. بیشتر این آب انبارها را که آب درون آن می‌ماند و انواع جانوران ریز در آن‌ها وول می‌خورد باید مردم صاف می‌کردند تا امکان استفاده داشته باشد. «میرزا عبد الوهاب خان شیرازی، تولیت آستان قدس رضوی در سال‌های ۱۳۰۱

نبود و همه کسانی که مسافر این شهر پرتردد بوده‌اند، آن را با سیمایی ناهمگون و نازیب‌ا توصیف کرده‌اند. البته وضع به همین منوال نماند. در صد سال اخیر رشد بهداشت در مشهد رشد چشم‌گیری داشته‌است و هرچه کیفیت مسائل پزشکی و بهداشتی در این شهر بهبود می‌یابد، شهر هم به همان نسبت شلوغ‌تر می‌شود. برای نمونه مشهد اوایل دوره قاجار حدود ۳۲ هزار نفر مشهد جمعیت دارد. اما در اوایل قرن چهارده جمعیت به ۱۳۰ هزار نفر می‌رسد. سال ۱۳۱۹، جمعیت ۱۷۶ هزار نفر است. سال ۱۳۲۸، جمعیت به ۲۰۶ و سال ۴۸ به ۴۰۹ هزار نفر می‌رسد. اکنون نیز این شهر با حدود ۴ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۲۰ میلیون رآئر در سال، به‌اعتراف زائران یکی از تمیزترین و بهداشتی‌ترین شهرهای ایران است. این گزارش انعکاسی از وضعیت بهداشتی این شهر در سیاهه اسناد، سفرنامه‌ها و دیگر مکتوبات درباره مشهد قدیم است.

قمری درباره آب انبارها و حمام‌های مشهد نوشته است: «حمام‌ها و آب‌انبارهای شهر مشهد مقدس دو، سه سال یک‌بار می‌شد وایش را عوض نمی‌کردند. آب آن‌ها به‌طوری متعفن می‌شد که موث و مولد امراض غریبه بود.» نهر خیابان نیز که از چشمه کیلاس به‌رگ‌های شهر می‌ریخت و بسیاری از آب انبارها و حمام‌ها را سیراب می‌کرد، خالی از آلودگی نبود. این نهر وقتی از بالا خیابان سرازیر می‌شد، هرچه کثافت در اطراف آن بود، می‌بلعید. مردم و کاسبان خیال می‌کردند چون آب جاری است می‌توانند هر اشغال و آلودگی را درون آن بریزند. درباره آلودگی نهر خیابان هم «مرحوم غلامحسین بقیعی» در کتاب «مزار میر مراد» می‌نویسد: «در آن زمان یک نهرگل آلود به نام جوی خیابان از دروازه بالاخیابان وارد شهر و به‌صورت فاضلاب گندیده‌ای از شهر خارج می‌شد.» مردم این شهر، مکان مشخصی برای شست‌وشوی رخت و لباس نداشتند و به ناچار در شکافته قنات‌ها و مسیرهای آب آشامیدنی، لباس می‌شستند. دیگر نیاز به توضیح ندارد که با این کار از نظر بهداشتی چه فاجعه‌ای برای آب رخ می‌داد.»

● حمام‌ها، مرکز نشر آلودگی!

حمام‌های قدیمی هم در این میانه برای خودشان داستانی دارند؛ «بر آب چشم»، در هر محله‌ای یک حمامی بوده که روزها در اختیار زنان و شب‌ها برای مردان بوده است، حمام‌هایی با یک خزینه آب گرم که مردم پس از اصلاح و کیسه‌کنشی تان در آن می‌شستند با این توضیح که خبری از تعویض آب خزینه نبود و فقط چرک و کثافتی که توی آب در ساعات تعطیلی حمام ته‌نشین می‌شد، آنگیز با لوش کش بیرون می‌کشید و کف‌ها و اشیاء، شاور آن را نیز با یک لنگ بیرون می‌ریخت تا در ظاهر آب تمیز به نظر برسد. در سفرنامه یک اصفهانی در کتاب «پنج سفرنامه خراسان» این موضوع به خوبی توصیف شده است: «هرکس مبتلا به مرضی گردد پس وعده گاه حمام است. حمامی که آب خزینه آن مدت‌هاست عوض نشده و رایج معامله(برای همه عادی است و رواج دارد) شهر است. شنیدم در بالاخیابان حمامی می‌باشد که چهار سال است آبش عوض نشده است. اهالی این شهر نفرت از این آب‌های

● دالان‌های تنگ و تاریک و کثیف! وضعیت راهروها و کوچه‌های شهر مشهد نیز به گونه‌ای بود که در آن تعداد بسیاری



سه سند از تلاش شهرداری مشهد برای معاینه کاسبان، رسیدگی به وضع حمام‌ها، مسافرخانه‌ها و صدور گواهی سلامت، دهه ۳۰ قمرن ۱۴ خورشیدی

دالان‌های مسقف و به طول‌های مختلف در دو طرف منازل مردم وجود داشت و انواع کثافات در آن‌ها ریخته می‌شد و آفتاب به آن‌ها راه نمی‌یافت. برای همین هم وضعیت بهداشتی بسیار نامناسبی داشتند و کانون امراض مختلف بودند. حاج سیاح که در اواخر ۱۲۵۷ خورشیدی از مشهد دیدن کرده، در توصیف وضعیت بهداشتی خیابان‌های مشهد نوشته‌است: «این خیابان‌ها اگر صاف و با نظافت بود بهترین تماشاگاه بود، اما پر از زباله و پهن و کثافت و سگ و گربه مرده و خون و نجاست است.»

● بیماری‌هایی که از مشهد نمی‌رفتند!

اما شاید مهم‌ترین دلیل این مشکلات وجود جمعیت زیاد بود. جمعیتی که غالبشان مهاجر بودند و این خود، اسباب رواج انواع بیماری‌ها می‌شد. بحرانی‌ترین دوران را هم باید عصر قاجار دانست که با تسهیل در سفر و رواج مسافرت‌ها همراه بود. برای نمونه مهم‌ترین بیماری‌های شایع در مشهد دوره قاجار عبارت بودند از: «وبا، طاعون، آبله، سرخک، تیفوس و آنفلوانزا.» در سفرنامه یکی از سیاحان چنین می‌خوانیم: «از دیگر معایب این‌بلد(شهر)، کثرات امراض مسریه است نسبت به سایر بلاد ایران. از قبیل جذام، آکله و حکه و دیگر امراض به‌طوری‌به وفور و عام البلوی است که می‌توانم مدعی شوم عشر از اهل بلد، صحیح المزاج و عاری از این امراض نیستند.» در سیاهه اسناد نیز می‌توان دید که وبا یکی از بیماری‌هایی است که مشهدی‌های زیادی را به کام مرگ



توزیع نایلون زباله توسط بلدیه مشهد/ دهه ۴۰ قمرن ۱۴ خورشیدی



نصب سطل‌های زباله در معابر عمومی/ ۱۳۳۹ خورشیدی

وضعیت بد بهداشت در مشهد قدیم اما به همین روال نمی‌ماند و در اوایل قرن ۱۴ خورشیدی تغییرات فراوانی می‌کند که بهبود آموزش، احداث خیابان‌ها و معابر عمومی، احداث اداره بهداشت، لوله‌کشی آب، ساخت بیمارستان، دوش‌دار شدن حمام‌ها و ایجاد مستراح‌های عمومی در کنار گنجاندن رسیدگی به نظافت شهر در فهرست وظایف بلدیه از آن جمله است؛ اقداماتی که سطح نظافت و بهداشت را در مشهد بالا برده و اتفاقات خوبی را برای ورود زائران و استفاده مجاوران رقم زد.

نخستین لوله‌کشی آب: ۱۲۹۲ سلطان حسین میرزا انبیرالدوله، والی خراسان، تلاش کرد که آب تمیز به مسجد گوهرشاد برساند و نخستین مسیر لوله‌کشی مشهد را بسازد.	نخستین مجله طب خراسان: ۱۲۹۹ طب کنونی اولین مجله‌ای بود که در زمینه پزشکی در خراسان توسط دکتر فتحعلی خان مسیح‌السلطنه منتشر شد.	نخستین مستراح‌های عمومی: ۱۳۰۷ در این سال توالت‌های بهداشتی نیز به سطح شهر آمد تا یکی دیگر از مشکلات بهداشتی مشهد رفع شود و در کنار آن بهداشت فردی زائر و مجاور هم بهبود یابد.	نخستین بیمارستان مشهد: ۱۳۱۳ وجود دارالشفای حضرت، افتتاح بیمارستان شهرضا و استخدام پزشکی از اقدامات خوبی بود که به بهداشت مشهد کمک کرد.	نخستین حمام‌های بهداشتی: ۱۳۱۴ اداره بلدیه در این سال اولین حمام نمره را در خارج دروازه فردوس، جنب دارالمجانبین ساخت و استفاده از خزینه را ممنوع کرد.	تأسیس بهداشت: ۱۳۱۹ یکی از برنامه‌های آستان قدس رضوی در مشهد، تأسیس دانشکده طب بود که در نخستین دوره ۷۲ نفر در آن تعلیم دیدند.	نصب سطل‌های زباله شهری: ۱۳۳۹ رفت و روپ شهر یکی از مهم‌ترین ارکان پاکیزگی است که نصب سطل زباله آن را بهبود بخشید. برابر اسناد باقی‌مانده نخستین این سطل‌ها دور فلکه حضرت نصب شده‌اند.
---	---	--	---	---	--	---

شهریار

SHAHIRANEWS.IR
۳۳ شنبه
۲۳ اسفند ۱۴۰۱
۲۱ شعبان ۱۴۴۴
شماره ۳۹۰۴

۱۵

تاریخ و هویت



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت پنجاه و هشتم)
سرگذشت کتابخانه و کتابداری در مشهد (بخش چهارم)



مرضیه ترابی

سقوط صفویه، حقیقتاً واقعه مصیبت باری در تاریخ ایران بود؛ این اتفاق به ویژه در عرصه فرهنگی خسارت‌هایی‌گاه جبران‌ناپذیر به‌جا گذاشت. تسلط افغان‌ها بر اصفهان، مقدمه نابودی بخش بزرگی از اسناد حکومتی بود که در دوره صفویه گردآوری و تدوین شده بودند. محمود هوتکی، مشهور به «محمود افغان»، پس از تسلط بر اصفهان، دستور داد همه اسناد حکومتی را در زاینده‌رود بریزند و به این ترتیب، حجم بزرگی از تاریخ دیوانی ایران نابود شد. با سقوط صفویه، هرج و مرج سراسر ایران را فرا گرفت و در گوشه‌وکنار، بغیان دست به شورش زدند و در سر بسیاری از آن‌ها هوای حکومت افتاد. مشهد در این دوره، سخت در معرض هجوم راهزنان و غارتگرانی بود که از شرق و جنوب آن را تهدید می‌کردند. بعد است در این دوره که باید آن را دوران فترت میان صفویه و افشاریه بدانیم، اتفاق خاصی در کتابخانه آستان قدس رضوی، به‌عنوان تنها کتابخانه رسمی شهر مشهد افتاده باشد. با این حال، پس از غلبه نادرقلی افشار بر شورشیان و ستاندن زمام امور از دست شاه‌تهماسب دوم و در پی آن تاج‌گذاری در دشت مغان و شهرت یافتن نادرشاه افشار، اوضاع در مشهد به نحو مؤثری تغییر کرد.

● شیوه توسعه کتابخانه در عصر نادرشاه

نادرشاه مشهد را به‌عنوان پایتختش برگزید و این یعنی آغاز توسعه کمی و کیفی شهر. به‌هر حال، پایتخت‌نیا زمند ظرفیت‌های گوناگون از جمله ظرفیت علمی بود. با دستور نادرشاه، باقی‌مانده کتابخانه صفویه را از اصفهان به مشهد منتقل کردند و در کتابخانه آستان قدس جا دادند. مورخان این اقدام را گامی مؤثر در توسعه کتابخانه می‌دانند و از سوی دیگر معتقدند که نادرشاه با این اقدامش مانع نابودی باقی‌مانده کتابخانه مشهور صفویه در اصفهان شد. به این ترتیب، فرمانروای افشاری بر غنای کتابخانه افزود. این اتفاق در سال ۱۱۴۵ قمری و زمانی رخ داد که نادرشاه هنوز زمام امور را کامل به‌دست نگرفته بود. در سند مربوط به این انتقال بزرگ که مربوط به شعبان ۱۱۴۵ است و امروزه در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، آمده است: «شرح رقم به تاریخ شهر (ماه) شعبان سنه (سال) ۱۱۴۵، آن که کتاب عالی حضرت، سلاله‌العالی، مستوفی سرکار موهبت‌آثار، طومار کتب مفصله را که در این وقت، بندگان سکندرنشان عالی، از اصفهان ارسال این آستان فیض نشان و مقرر فرموده‌اند که بر مدارس سرکار مقدس وقف نموده و وکلای عالی، حسب‌الفرمان، کتب مرسوله مذکوره را ملاحظه و به نحوی مقرر، بر هر یک وقف نامه‌چقلمی و تحویل حضرت کتابدار سرکار و داخل کتابخانه مقدسه نمود و مشرف بیوتات سرکار، اسم هر یک را مفصل توصیف قلمی نموده، در دفتر سرکار ثبت و ضبط نموده، موازی هفتصد جلد کتاب مفصله را ابواب جمع کتابدار مشارالیه نماید.» متن سند که حاکی از پیچیدگی نثر آن دوران است، نشان می‌دهد که نادرشاه کتاب‌ها را در قالب وقف در اختیار کتابخانه آستان قدس قرار داده است.

● اخلاص در وقف کتاب

از سوی دیگر، اتفاقی رخ داد که شاید باعث آسیب‌رسیدن به ظرفیت نسخه‌های موجود در خزانه آستان قدس شد. سیاست نادرشاه درباره اوقاف، سیاستی ته‌اجمی و مخالف با عرف و شرع بود. به‌دستور او، بسیاری از موقوفه‌ها به نفع حکومت مصادره شدند. موقوفات آستان قدس رضوی نیز از این فرمان متهورانه در امان نماندند. این فرمان جنبه موقتی داشت و بعد از مرگ نادرشاه در ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۱۱۶، توسط جانشینان وی ملغی شد. ولی آسیبی سنگین به روند افزایش ظرفیت کتابخانه وارد کرد. سنت وقف کتاب که تا پیش از تسلط افشاریه بر مشهد، باعث افزایش تدریجی ذخایر مکتوب کتابخانه آستان قدس می‌شد، با رویکرد و رفتار نادرشاه، گرفتار سکون شد. مردم دیگر به سنت وقف رغبت نشان نمی‌دادند و این مسئله برای کتابخانه ضربه‌ای مهلک بود. از سوی دیگر، برخی موقوفات که به نگهداری کتاب‌ها اختصاص داشت هم از دسترس کتابخانه خارج شد و این مسئله، روند نگهداری کتاب‌ها را با مشکل روبه‌رو کرد.

● شاکله کتابداری در عصر افشاریه

با وجود این، کتابخانه آستان قدس بر اساس روش دوره صفویه به فعالیت‌هایش ادامه داد و افتان‌وخیزان به ارائه خدمات پرداخت. در این دوره نیز کتابدار مسئولیت کتابخانه را برعهده داشت و موظف بود علاوه بر صدور قبض امانت کتاب، کتاب و قرآن‌های مرمتی و اهدایی را تحویل بگیرد، بر کار صحافان نظارت کند و وظایف تحویل‌داران را مقرر کند. نکته جالب این است که با وجود تغییر حکومت از صفویه به افشاریه، تغییر چندانی در افراد مشغول به کار در کتابخانه آستان قدس داده‌نشد و آن‌ها کم‌وبیش در مدت مقرر به فعالیت در کتابخانه مشغول بودند. نخستین کتابدار دوره افشاریه، میرزا زین‌العابدین بود که در دوره صفویه هم مسئولیت کتابداری کتب وقفی را داشت. بعد از وی، تا زمان مرگ نادرشاه، نام سه کتابدار دیگر در تاریخ کتابخانه آستان قدس رضوی ثبت و ضبط شده است، میرزا محمود (از ۱۱۴۸ تا ۱۱۵۲ قمری)، میرمحمد جعفر (از ۱۱۵۶ تا ۱۱۵۷ قمری) و ابوالقاسم کتابدار (از ۱۱۶۰ تا ۱۱۶۳ قمری)، سلسله کتابداران در عصر افشاریه، تا بعد از مرگ نادرشاه و حتی تا بعد از به‌قدرت‌رسیدن قاجاریه برقرار بود. از آنجا که کتابدار را شاه تعیین می‌کرد، جایگاه اجتماعی نسبتاً خوبی داشت و این احتمال وجود دارد که افراد منصوب‌شده، در زمره علما، ادیبان و دانشمندان دوران خودشان بوده باشند. در نامه‌های رسمی این دوره، خطاب به کتابداران، از آن‌ها با صفت‌هایی مانند «ملا»، «حاجی»، و آقا، یاد شده است که می‌تواند به‌عنوان دلیلی بر جایگاه علمی یا اجتماعی این افراد در نظر گرفته شود.

● توسعه کتاب‌خوانی در مشهد عصر افشاریه

نکته جالبی که شاید در دوره افشاریه بیش از دوره صفویه دیده می‌شود، اقبال عمومی به مطالعه کتاب است. در میان فهرست امانت‌گیرندگان کتاب که امروزه سند آن‌ها در دسترس است، می‌توان مشاغل گوناگونی را دید، مشاغلی مانند فراش‌باشی، قاری، طلبه، کفاش، کلانتر، زیارت‌نامه‌خوان، نقاش، منجم، صحاف، شمع‌ا و دربان، باتوجه‌به تنوع مشاغل مراجعه‌کنندگان و امانت‌دادن کتاب‌ها به آن‌ها، احتمالاً سخت‌گیری‌های مربوط به امانت‌دادن کتاب در دوره افشاریه نسبت به عصر صفویه کمتر شده بود.

منبع اسناد و تصاویر استفاده شده در این گزارش: آرشیو کتابخانه ملی‌ایران